

## دریچه

### از ترکیه تا برلین دهه ۶۰

در دست‌هایش هنوز ترس از مرگ جاری است، «رمان در جهانی که دیگر از آن او نیست از میان خواهد رفت؟ آیا از آنچه باقی خواهد ماند فقط پرگویی بی‌ان‌ناپذیر قلم‌زنان و رمان‌های پس از تاریخ رمان خواهد بود؟ من نمی‌دانم، فقط این را می‌دانم‌که رمان دیگر نمی‌تواند با روح زمان ما در صلح و صفا به سر برد.»

میلان کوندرا
امینه سوگی ازدماز با نوشتن رمان «پل شاخ زرین» اثبات کرد هنوز حرفی برای شنیدن و داستانی برای روایت وجود دارد. داستان این رمان از جایی آغاز می‌شود که دختری ۱۷ساله به‌عنوان کارگری خارجی در شرکت آلمانی تلفنکن مشغول به کار می‌شود. تمام مشاهدات این دختر جوان، جان‌مایه رمان است. رمان، زبانی تصویری آمیخته با طنزی تلخ دارد. درک جهانی که کاملا بیگانه است؛ زبانش، مردمش و شهرش. امینه سوگی ازدماز قسه‌گویی خوش‌ریتم است. سبک داستان‌گویی‌اش اورهان پاموک را به یاد می‌آورد. شیفته جزئیات است. با توصیف دقیق آدم‌ها، اشیا، خیابان‌ها، محلل کار، تفرجگاه‌ها، ایستگاه قطار و… مخاطب را به کلیتی می‌رساند که نمی‌داند به کدام جهان‌بینی روی آورده است. ترجمه شیوا و روان دکتر پرستو خانبانی که به‌درستی از تمام چالش‌های زبانی سربلند بیرون آمده و سبک نویسنده را با تمام ظرافتش به‌خوبی منتقل کرده است، رمان را خواندنی‌تر و دلپذیرتر می‌کند. برلین دهه ۶۰، قیام دانشجویی

در برلین ناآرام، استانبول در سال ۶۸؛ خشن‌تر و کابوس‌وارتر- از آنچه در کشورهای غربی در جریان است، مخاطب را در مشت می‌گیرد و پیش می‌رود و مخصوصا حس همذات‌پنداری را در مخاطب ایرانی به‌شدت بیدار می‌کند. فرم روایی داستان هیچ پیچیدگی‌ای ندارد. زمان، خطی است بدون فلاش‌بک و گاه‌به‌گاه برنگاه‌های نوستالژیک‌ی که راوی با مشاهده اشیا و صحنه‌ها، دچار آن می‌شود. «درباره کتاب» آغازگر این رمان است. مترجم در توصیف کتاب چنین می‌گوید: «جوان است و در پی کشف دنیا و تجربه‌های تازه، پس از استانبول سوار قطاری می‌شود که این کارگر خارجی آینده را به برلین خواهد برد؛ امینه سوگی ازدماز از نگاه دختری ۱۷ساله که کلمه‌ای آلمانی نمی‌داند و به همین دلیل هم در فیلمی که در مقابل چشمانش در جریان است، بیشتر از آنکه بشنود، می‌بیند. از برلین دهه ۶۰ سخن می‌گوید، از مردم برلین می‌گوید… به‌عنوان هنرآموز رشته هنرپیشگی به استانبول بازمی‌گردد… او با زبانی تصویرگر و ریتمیک، داستان بیداری‌اش را از چشم زنی سرگردان میان دو دنیای متفاوت شرح می‌دهد، از انفعال سیاسی جهان آن روز می‌نویسد و از شوق و اشتیاقش به تاتار». کتاب از دو بخش تشکیل شده است. تجربه‌های راوی در برلین، بخش اول کتاب را رقم می‌زند. بخش دوم کتاب با عنوان «پل شاخ زرین» زندگی سیاسی راوی در ترکیه را روایت می‌کند. ظهور جنبش چپ در ترکیه، دوران حکومت دمیسرل، کودتای نظامی و برکناری دمیسرل و روی‌کارآمدن دولت اجویت نمای کوچکی است از رویدادهای سیاسی ترکیه در دهه ۶۰ میلادی. رمان «پل شاخ زرین» که در انتشارات ماهریس منتشر شده، طرح جلد درخور و صفحه‌آرایی چشمگیری دارد که از نقاط قوت کتاب به شمار می‌رود.

### بازیگران نسخه سینمایی «کیمیاگر» مشخص شدند

● اقتباس سینمایی از رمان «کیمیاگر» اثر معروف «پائولو کولنیو» سه بازیگر اصلی خود را شناخت. «سایستین دسوزا»، «تام هولاندز» و «شهره آغداشلو» سه بازیگری هستند که به پروژه سینمایی «کیمیاگر» با اقتباس از رمان فلسفی نوشته «پائولو کولنیو» نویسنده برزیلی پیوستند. «ویل اسمیت» بازیگر هالیوودی، یکی از تهیه‌کنندگان این فیلم سینمایی است که قرار است از ماه سپتامبر در کشور مراکش مقابل دوربین برود و «کوبین فرانس» نیز کارگردانی این فیلم را برعهده خواهد داشت. «سایستین دسوزا» در نقش پسری جوان اهل اندولس به نام «سانتیاگو» بازی می‌کند که در جست‌وجویی حماسی برای کشف هدف انسان در زندگی است. همچنین «یوردی مولا»، «یوسف کرکرو» و «اشرف بروم» دیگر بازیگران فیلم «کیمیاگر» هستند. «لارنس فیشرپون»، برنام‌ساز مدت ۱۶ سال فیلم داشت نسخه سینمایی رمان «کیمیاگر» را پس از خریداری حق ساخت آن از کمپانی برادران وارنر بسازد. کمپانی برادران وارنر حق اقتباس سینمایی از رمان پرفروش «کیمیاگر» را در سال ۲۰۰۳ به دست آورده بود. در نهایت این پروژه با تهیه‌کنندگی «ویل اسمیت» (وستبروک استودیو) و همچنین دو کمدی «پالم استار» و «نتر فیلمز» ساخته خواهد شد. تاکنون بیش از صد میلیون نسخه از رمان «کیمیاگر» در سراسر جهان فروخته شده و این کتاب با ترجمه به ۵۶ زبان جهان، رکورددار گینس به‌عنوان کتابی است که تاکنون بیش از هر اثر ادبی دیگری از نویسندگان در قید حیات ترجمه شده است.

# پیوند عمیق سینما و ادبیات



**بهناز شیربانی**

کیست که منکر ارتباط تنگاتنگ سینما و ادبیات شود و نقش مؤثر آثار ادبی در بروز و ظهور بسیاری از فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای جهان و ایران را نادیده بگیرد! ارتباطی که قدمت بسیار دارد و همچنان می‌توان با تکیه بر این رابطه اصیل و قدرتمند، آثار درخشانی خلق کرد. با همه اینها نمی‌توان اصل مهمی را در تصویری‌کردن اقتباس‌های ادبی نادیده گرفت و آن دیدگاه و توانایی فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان در فهم اثر و تبدیل آن برای مخاطبی است که حال باید با روایتی تصویری به منبع اقتباس نیز نزدیک شود. در تاریخ سینمای کشورمان کم نیستند کارگردان‌هایی که به دلیل نزدیکی بسیار به ادبیات و فهم منبع اقتباس، آثار درخشانی خلق کرده‌اند.

همچنان فیلم‌های ناصر تقوایی از شاهکارهای سینمای ایران در برگردان سینمایی متونی است که نه‌تنها به‌درستی تبدیل به فیلم‌نامه شدند، بلکه به فرهنگ و رسوم ایرانی هم وفادار ماندند. «ناخدا خورشید» مثال بارز این توانمندی است. «آرامش در حضور دیگران»، «دایی جان ناپلئون» و… ازجمله آثاری است که علاقه‌مندی تقوایی در واکاوی متون درخشان ایران و جهان و تصویرکردنشان طوری که با سلیقه مخاطب ایرانی سازگار باشد را نشان می‌دهد.

در کارنامه داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی هم تعداد قابل توجهی از آثاری که از متون ادبی اقتباس شده‌اند وجود دارد. مهرجویی از دومین فیلم سینمایی خود از شیوه اقتباس به‌درستی در آثارش استفاده کرد و فیلم‌هایی چون «گاو»، «درخت کلابی»، «پری»، «سارا»، «همهان مامان»، «اشباح» و بسیاری دیگر از آثارش بر همین مبنا نوشته و ساخته شدند.

«داش‌آکل»، «غزل» و «خاک» بخشی از کارنامه مسعود کیمیایی در برگردان سینمایی آثار ادبی است. در این میان کیومرث پوراحمد، فرزاد



**محمود حسینی‌زاد**

هر فیلمی براساس متنی شکل می‌گیرد و آن متن هم هر اسمی می‌خواهد داشته باشد، فیلم‌نامه، سناریو، بداهه‌سازی سر صحنه و… قطعا در حوزه ادبیات جایی دارد. منظور از پرسش شما مسلما استفاده از رمان، داستان و شعر چاپ‌شده و به‌بازارآمده است برای تولید فیلم.

اول مقدمه کوتاهی بگویم، ما زمانی می‌توانیم از جرئانی صحبت کنیم و آن را قصاوت، که آن جریان واقعا سروشکلی و سن‌وسالی داشته باشد. آن‌قدر پروپیمان باشد که بتوان نگاه گسترده‌ای به آن انداخت، بتوان عوامل تشکیل‌دهنده‌اش را با هم مقایسه کرد. وقتی جرئانی در کار نیست و آب باریکی راه افتاده و وسط‌راه خشک شده که نمی‌توان نظر



**احمد طالبی‌نژاد**

با نگاهی به تاریخ سینمای ایران و جهان، می‌توان دریافت که تقریبا ماندنی‌ترین و نامدارترین فیلم‌های تاریخ سینما اغلب از ادبیات اقتباس شدند. نام‌آشناترین آنها «بر باد رفته»، «بی‌نویان» و گزینه‌هایی از این دست است که اقتباس‌های بسیاری از این رمان‌ها صورت گرفته است. رابطه بین سینما و ادبیات، دیرینه است. نمی‌توان گفت از بامداد پیدایش سینما، اما می‌توان ردپای اقتباس را از زمانی که سینما دارای هویت مستقلی شد و شکل داستانی به خود گرفت، در آن دید و این جریان ادامه خواهد داشت، چراکه همواره داد و ستدی بین این دو مدیوم وجود دارد؛ یکی کلامی و دیگری بصری.

اما باید به مفهوم اقتباس هم توجه داشت و اینکه چه باید کرد که اقتباس درستی صورت بگیرد؟ اقتباس از واژه قیس به معنی گرفته‌شدن و تبدیل‌کردن می‌آید؛ بنابراین وقتی‌ا از واژه اقتباس صحبت می‌کنیم به این معنی است که شکلی را از فرهنگ بگیریم و به شکل دیگری تغییرش بدهیم. مثل اینکه وقتی سراغ ادبیات می‌روید، قصه‌ای را به فیلم تبدیل کنید که با تصویر سر و کار دارد. این اقتباس در نهایت دو گونه است که اغلب اختلاف‌هایی که بین نویسنده رمان، فیلم‌نامه‌نویس و فیلم‌ساز بروز می‌کند شاید از همین عدم شناخت ناشی می‌شود. نوع اول اقتباس وفادارانه است. به این معنی که زمانی را بی هیچ کم و کاستی به فیلم تبدیل می‌کنید. شخصیتی اضافه و کم نمی‌شود. شاید تغییراتی جزئی در لوکیشن یا موارد دیگر اتفاق بیفتد اما در نهایت به کل اثر ادبی به لحاظ موضوعی و مضمونی و شخصیت وفادار می‌ماند؛ ۹۰ درصد آثار اقتباس‌شده از ادبیات در سینمای جهان این‌گونه هستند. وقتی «بر باد رفته» را می‌بینیم، با رمان مارگارت میچل به لحاظ داستانی خیلی تفاوتی ندارد. می‌توان به تعداد قابل توجهی فیلم اشاره کرد که به همین صورت اقتباس شده‌اند. در سینمای ایران نمونه‌هایی وجود دارد که در اقتباس نمونه‌های موفق یا ناموفقی بوده‌اند؛ مثلا از اقتباس‌های وفادارانه می‌توان به رمان «تنگسیر» نوشته زنده‌یاد صادق چوبک اشاره کرد که امیر نادری ساخت و متأسفانه فیلم خوبی نبود. گرچه خود رمان هم درجه یک نبود، ولی به‌هرحال فیلم بدی شد. شکل دوم اقتباس، آزاد است؛ در این نوع اقتباس به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس یا کارگردان بنا بر توافقی که با نویسنده اثر

## هنر

# پیوند عمیق سینما و ادبیات



مؤتمن و بهرام توکلی نیز با تکیه بر ادبیات، آثار اقتباسی‌شان مورد اقبال گسترده مردم قرار گرفته است.

رسم اقتباس در سینمای ایران همچنان ادامه دارد. هرچند نمی‌توان تمامی این آثار را قابل قبول توصیف کرد اما همچنان می‌توان با قطعیت از این موضوع دفاع کرد که درک و دریافت آثار ادبی مهم‌ترین و مؤثرترین قدم در تصویری‌کردن آنهاست. مانوس‌بودن با ادبیات زمینه‌ساز درک بهتر فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان برای تصویر بهتر اثرش است و در نهایت این تلاش با مخاطبش نیز ارتباط مؤثرتری برقرار می‌کند. بازگشت به گذشته و مرور سینمای ایران در دهه ۴۰، ۵۰

### ادبیات و سینما؟

## چیزی ندارم برایتان بگویم

داد. براساس اولین کتاب یک نویسنده، نمی‌توانیم خوب و بد بودن نویسنده را قضاوت کنیم. با یک فیلم کوتاه نمی‌شود بی به توان کارگردان برد. البته در ایران این کار، یعنی تشویق و تمجید براساس کام اول، سابقه دارد و در این مورد تجربه زیادی داریم. تعداد خیلی زیادی نویسنده و فیلم‌ساز و نقاش و نمایش‌نامه‌نویس داشتیم و داریم که یک تولد درست داشته‌اند و بعد عقیم شده‌اند. استفاده از رمان و داستان در سینمای ایران هم همان جرئانی است که اصلا جرئانی نیست. آب‌باریکه‌ای است. تعدادی فیلم هستند، انگشت‌شمار، که براساس رمان و داستانی ساخته شده‌اند. اسم نمی‌برم، چون قطعا در گزارش و مقاله‌هایمان بارها اسم برده می‌شوند. چون تعدادی نیستند اصلا و تازه همین تعداد اندک رمان و داستان چطور به دست فیلم‌ساز رسیده‌اند؟ چطور فیلم‌ساز صرفا افتاده آن داستان را به تصویر بکشد؟ به خاطر مطالعات وسیع و شناخت کافی و همه‌جانبه

## ادبیات می تواند ناجی صنعت سینمای ایران باشد

صورت می‌گیرد، مجاز هستند در آن دخل و تصرف کنید. به‌هرحال همان‌طورکه اشاره کردم، سینما و ادبیات تفاوت‌های ماهوی با یکدیگر دارند. ذات سینما نشان‌دادن است و گاهی پرحرفی‌هایی را که در ادبیات هست، برمی‌تابد. باید واژه‌ها را به تصویر تبدیل کرد. گاهی شخصیت‌هایی در آثار ادبی هستند که این شخصیت‌ها احتمالا خیلی به کار سینما نمی‌آیند و باید تغییراتی در هویت آنها ایجاد شود. گاهی پایان یک اثر وقتی به تصویر تبدیل می‌شود تغییر می‌کند. مثلا از رمان «بی‌نویان» اقتباس‌های زیادی صورت گرفته که اغلب اقتباس‌های وفادارانه بودند، اما نمونه‌ای هست ساخته روبر حسین، کارگردان ایرانی‌الاصل که در برگردان سینمایی‌اش از انتها به ابتدا این رمان را تصویر کرد. فیلم در دوران دانشجویی کوزت و تلاش او در مبارزات انقلابی آغاز شده، سپس به صورت فلاش‌بک به گذشته او می‌پردازد. این یک اقتباس آزاد است. چنین مواردی کاملا به این برمی‌گردد که فیلم‌نامه‌نویس یا فیلم‌ساز از چه زاویه‌ای به داستان یا موضوعی که انتخاب کرده نگاه می‌کند؟ فیلم «در جست‌وجوی ریچارد»، ساخته آل پاجینو، اقتباسی مدرن است از ریچارد سوم شکسپیر و نمونه‌های دیگر از آثاری که می‌توان گفت به صورت تجربی یا آزاد از آثار ادبی در سینما شکل گرفته‌اند. نکته در این است که در هر شکل از اقتباس باید جوهر اثر حفظ شود؛ مثلا اگر مضمون یک اثر عشق است، این عشق را نمی‌شود به خشونت یا نفرت در اقتباس تبدیل کرد. در غیر این صورت داستان دیگری می‌شود. اصلا چرا به سراغ اثری ادبی می‌رویم؟ به این دلیل که از اعتبار آن برای تقویت اثر یا کشاندن مردم به سینماها استفاده کنیم. پس نباید به اصل اثر یا جوهر یا پیام اصلی آن خیانت کنیم. به هر صورت در سینمای ایران هم می‌توان نمونه‌های موفقی از اقتباس نام برد.

اولین اثر اقتباس درست در سینمای ایران به مفهوم خلاقانه را در «شب قوزی» ساخته فرخ غفاری می‌بینیم. فیلم‌نامه این اثر به کمک جلال مقدم از یکی از داستان‌های هزارویک شب اقتباس شد. فیلم «شوه‌ر آهو خانم» ساخته داود ملاپور، اقتباسی کاملا وفادارانه از رمان علی‌محمد افغانی است که متأسفانه فیلم خوبی هم نیست. با مثلا وقتی به موج نو سینمای ایران نگاه می‌کنیم در میان آثار مسعود کیمیایی، ناصر تقوایی یا داریوش مهرجویی آثار اقتباسی ارزشمندی می‌بینیم. آنها از اولین فیلم‌سازانی هستند که به سراغ اقتباس رفتند و نمونه‌های درخشانی در کارنامه‌شان دارند. «داش‌آکل» در زمان خودش اقتباس موفقی بود از داستان کوتاه صادق هدایت. بعدها کیمیایی فیلم «خاک» را بر مبنای داستان افسانه‌ی بابا سبحان ساخت که فیلم اجتماعی موفقی بود. نمونه‌های دیگر از یک اقتباس

#### زیر آسمان فیروزهای

### کارگردان «انگل» در مسترکلاس جشنواره کن چه گفت؟

● **هنر:** بونگ جون هو سازنده «انگل» در مسترکلاسی که در جشنواره فیلم کن برگزار کرد، گفت نخستین فیلم انیمیشن وی با الهام از یک کتاب علمی فرانسوی درمورد موجودات دریایی ساخته می‌شود. او که دو سال پیش و در آخرین دوره برگزاری جشنواره کن پیش از شیوع کرونا موفق به کسب نخل طلای کن برای فیلم «انگل» شده، بیشتر دوران قرنطینه را در حالی سپری کرد که با آدام مک‌کی کارگردان آمریکایی در حال نوشتن نسخه اقتباسی از فیلم «انگل» برای ساخت یک سریال تلویزیونی بود. مک‌کی بهار امسال ساخته‌شدن این سریال را تأیید و تأکید کرده بود که این سریال بازسازی فیلم «انگل» نیست بلکه داستانی جدید را در همان دنیا روایت می‌کند.

بونگ جون هو در جشنواره کن گفت: «انگل» فیلمی درمورد خانواده‌های فقیر و ثروتمند است، و این مشکلی است که همه جا وجود دارد. امیدوارم سریال «انگل» اثری نوخ‌آمیز باشد. با آدام مک‌کی کار کرده‌ام و او در حال نوشتن سناریو و درآوردن شخصیت‌هاست. پس از آماده‌شدن سناریو سریال در آمریکا ساخته می‌شود.

بونگ در ادامه به درک‌شدن این موضوع در هر جا اشاره کرد و گفت: موضوع فیلم همچنان در فرانسه و هر جای دیگر قابل درک است. خیلی‌ها دوست دارند ثروتمند باشند ولی فکر می‌کنم همه از فقیرشدن می‌ترسند. ساخت این سریال اقتباسی برای اچ‌بی‌ا و انجام می‌شود و یک کمدی سیاه خواهد بود. برای نوشتن سناریو با آدام مک‌کی همکاری می‌کنم اما به‌عنوان تهیه‌کننده در این پروژه حضور دارم.

او همچنین افزود انتظار نداشت «انگل» در سراسر دنیا مورد توجه واقع شود. این در حالی است که فیلم پس از کسب نخل طلای کن به اولین فیلم غیرانگلیسی‌زبان اسکرا بدل شد که موفق شد عنوان بهترین فیلم را هم از آن خود کند.

سازنده «انگل» افزود پس از ساخت این فیلم تغییر نکرده و گفت: نگاهی به من بیندازید، من همانی هستم که بودم.

این کارگردان کرای‌های همچنین درباره انیمیشن بلندی که قصد ساختش را دارد صحبت کرد و گفت از سال ۲۰۱۸ داشت فیلم‌نامه ای را می‌نوشت و زانویه ۲۰۲۱ فیلم‌نامه را کامل کرد. او افزود این فیلم را با الهام از یک کتاب علمی فرانسوی می‌سازد که همسرش خریده و به خانه آورده بود. او با تمجید از تصاویری که از مخلوقات دریایی در این کتاب دیده‌گفت همان موجب شد تا به ساخت این انیمیشن فکر کند.

بونگ گفت این کتاب نوشته کلر نویوان است و خیلی دلش می‌خواهد وارد دنیای انیمیشن شود. به گفته بونگ این پروژه پس از ساخت فیلم بعدی‌اش ساخته می‌شود و اکنون تیم جلوه‌های ویژه وی دارند روی این موضوع کار می‌کنند و این انیمیشن باید سال ۲۰۲۵ یا ۲۰۲۶ آماده باشد.

#### مرور ۲۰ سال فعالیت استودیو کارگاہ در دوسالانه گرافیک شومون

● **هنرآل‌این:** دوسالانه بین‌المللی طراحی گرافیک شومون ۲۰۲۱ در فرانسه در حال برگزاری است. این رقابت بین‌المللی سال ۱۹۹۰ در شهر شومون فرانسه، به منظور ارج‌نهادن به خلق پوستر در سطحی جهانی آغاز به کار کرد و اعتبار روزافزون آن باعث شد که این شهر به‌عنوان پایتخت طراحی گرافیک شناخته شود.

آثاری که طراحان سراسر دنیا در طول دوره‌های گذشته به این دوسالانه ارسال کرده‌اند به شکل مجموعه‌ای با بیش از ۴۵ هزار اثر در شومون نگهداری می‌شود و به این ترتیب مجموعه‌ای از پوسترهای معاصر به همراه مجموعه پوسترهای تصویرسازی‌شده ۱۹دهه میلادی، باعث ایجاد یک مرکز دائمی اختصاصی برای طراحی گرافیک در شومون شد که سال ۲۰۱۶ آغاز به کار کرد.

امسال دوسالانه شومون بخشی را به مرور فعالیت‌های استودیو کارگاه از ایران اختصاص داده است. این اتفاق به مناسبت ۲۰ سال فعالیت این مجموعه در صحنه طراحی گرافیک ایران شکل گرفته و به نقش مهم طراحی این مجموعه در تولیدات فرهنگی و فرهنگ تجسمی ایران پرداخته است.

دوسالانه شومون در توصیف فعالیت‌های این مجموعه آورده است: «طراحان گرافیک استودیو کارگاه با تلفیق مهارت‌های تایپوگرافی، عکاسی و طراحی در جایی که حروف الفبای لاتین و فارسی با هم ترکیب می‌شوند، محدودیت‌های انتزاع روایی را کنار می‌زنند و شما را به پشت صحنه طراحی گرافیک ایرانی می‌رسانند، چیزی که هنوز در فرانسه چندان شناخته نشده است.»

آثار این استودیو در مجموعه‌ای با نام «خالی‌هراسی، شهر و قصه‌ها» به نمایش درآمده و علاوه بر نمایش پوسترهای طراحی‌شده در این مجموعه، المان‌های گوناگون فرهنگی، تاریخی و اجتماعی، نگارگری‌ها، تصاویر و ویدئوهای از آنچه در آثار تأثیرگذار بوده است نیز به نمایش درآمده است. دوسالانه بین‌المللی طراحی گرافیک شومون ۲۰۲۱ تا ۷ آگوست ادامه دارد.

داستان‌های او اقتباس کرد.